

درآمد بر

بهران‌ترین دوره تاریخ تشیع

نگاهی گذرا بر دوره نود و دو ساله حکومت
سیاه بنی‌امیه و فشارها و تنگناهای موناگون
برای شیعیان در این دوره.

آن بر اساس مبارزه با اسلام ناب شکل گرفت. با نگاهی به سیره خلفای اموی چنین برمی‌آید که روش آنان در حکمرانی بر پایه زورگویی و خفقان برای تثبیت پایه‌های قدرت خویش بود تا با به کارگیری این شیوه، اهل بیت را منزوی کنند و مردم را از اطراف آنان

۱. دایرةالمعارف جامع اسلامی (معارف و معارف)، سید مصطفی حسینی دشتی، ج ۳، ص ۲۵۷.
۲. فرهنگ جامع تاریخ ایران، عباس فدایی، ص ۱۳۷.

عصر امویان دشوارترین دوره در تاریخ تشیع محسوب می‌شود که از سال ۴۰ ق با خلافت معاویه بن ابی سفیان آغاز شد و با خلافت «مروان حمار» یا «مروان دوم» - چهاردهمین خلیفه این سلسله - به سال ۱۳۲ ق پایان یافت^(۱).

بنی‌امیه پس از چهار خلیفه، حکومت ۹۲ ساله‌ای را بر قلمرو گسترده اسلام آغاز کردند^(۲) که می‌توان آن را دوره‌ای سیاه برای شیعه معرفی کرد. دوره‌ای که با روی کار آمدن معاویه بنای

پراکنده سازند.

روشن است که افسارگسیختگی این حکمرانان در بهره‌گیری از لذات مادی و مخالفت با اهل‌بیت، هر نوع صلاحیت را در زمینه حکومت از آنان سلب کرد و از آنها درندگانی ساخت که به خاطر شهوت‌پرستی و قدرت‌طلبی به هر جنایتی دست می‌زدند و از ریختن خون هیچ‌کس باکی نداشتند. همه خلفای این سلسله به استثنای «عمر بن عبدالعزیز» دشمن سرسخت شیعه بودند. آنان در شام (کانون بنی‌امیه) می‌زیستند و بیش‌تر از طریق حاکمان خون‌ریز بر شیعیان فشار می‌آوردند که از میان آنان «عبیدالله بن زیاد» و «حجاج بن یوسف» گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند.

گذری بر دوران امامت امام حسن مجتبی (ع) تا امام جعفر صادق (ع) درستی این قضاوت را تأیید می‌کند. مهم‌ترین چالشی که امام مجتبی (ع) در طول دوران امامت خود (۵۰-۴۰ ق) با آن روبرو بود، مسأله نفوذ این سلسله در

حاکمیت دینی بود. شرایطی که به کناره‌گیری آن حضرت و صلح تحمیلی بر آن بزرگوار انجامید، از تلخ‌ترین حوادث تاریخ اسلام است.

صلح با معاویه جام زهری بود که آن پور پارسای بتول برای پاسداری از دین و حفظ خون مسلمانان نوشید که این امر، محرومیت جامعه اسلامی را از حکومت الهی به دنبال داشت. این محرومیت به هیچ‌وجه مولود ناآگاهی، ضعف روحی، سستی و عدم مدیریت امام و رهبری نبود، بلکه عوامل این درد جانکاه تاریخی را از یک‌سو باید در اوضاع فکری، فرهنگی و اخلاقی و اعتقادی مسلمانان و شهروندان جامعه اسلامی و حوادث و تحولات چند دهه گذشته، و از سوی دیگر در تلاش‌های نظامی، اقتصادی و سیاست‌های تبلیغاتی بنی‌امیه جستجو کرد.

امام مجتبی (ع) فرمود: «و لولا ما أَتَيْتُ لَمَا تَرَكْتُ مِنْ شِيعَتِنَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدًا إِلَّا قَتِلَ»^(۱): «اگر صلح نمی‌کردم، در

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۱۹.

روی زمین هیچ‌کس از شیعیان ما باقی نمی‌ماند و همه آنان کشته می‌شدند. در زمان امامت امام حسین علیه السلام (۶۱-۵۰ ق) به‌ویژه در سال‌های آخر امامت ایشان، بیشتر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله از

دنیا رفته بودند و اکثر مسلمانان این دوره به‌ویژه در شهرهای تازه‌مسلمان، نه رسول خدا را دیده بودند و نه صحابه نیک‌اندیش و درست‌کردار وی را، بدین جهت هر آنچه از طرف خلیفه حاکم و اطرافیان اعمال

بنی‌امیه پس از چهار خلیفه، حکومت ۹۲ ساله‌ای را بر قلمرو گسترده اسلام آغاز کردند که می‌توان آن را دوره‌ای سیاه برای شیعه معرفی کرد. دوره‌ای که با روی کار آمدن معاویه بنی‌انسان بر اساس مبارزه با اسلام ناب شکل گرفت. با نگاهی به سیره خلفای اموی چنین برمی‌آید که روش آنان در حکمرانی بر پایه زورگویی و خفقان برای تثبیت پایه‌های قدرت خویش بود تا با به کارگیری این شیوه، اهل‌بیت را منزوی کنند و مردم را از اطراف آنان پراکنده سازند.

می‌شد، به نام اسلام و دین، تجلی پیدا می‌کرد و ظهور بدعت‌ها، پایه دین و تعالیم اصیل آن را مسخ می‌کرد. دکتر طه حسین - یکی از

ریختند^(۱).

سالار شهیدان علیه السلام با این واقعیت تلخ روبرو بود که اسلام دگرگون شده و

۱. علی و فرزندان، طه حسین، ص ۲۴۴-۲۴۲.

هرچه به نام اسلام مطرح و ترویج می‌شد، کاملاً خلاف و عکس حقیقت اسلام است. اسلام اموی مسلط است و سلطنت معاویه و یزید، هر قدر مجال و قدرت بیشتری می‌یابد، حقیقت اسلام را بیشتر تحریف می‌کند و تحریف یک مکتب، بدترین خطر برای آن است. برای همین آن حضرت بنا بر ملاحظاتی که در دوران امامت برادرش - امام حسن علیه السلام - وجود داشت، در آن فضای اختناق‌آمیز، همان نقش برادر بزرگوارش را ایفا کرد و مدت ده سال به علت شرایط موجود در جامعه مسلمانان، در مقابل معاویه دست به هیچ‌گونه قیامی نزد. اما در عین حال به مبارزه سیاسی ادامه داد و در برابر بدعتها و آدمکشی‌های معاویه، سکوت نکرد تا این‌که در رجب سال ۶۰ هجری، معاویه مرد و به جای او یزید به خلافت رسید. وی از ابا عبدالله علیه السلام خواست تا با او بیعت کند؛ اما آن حضرت بیعت را قبول نکرد و برای مبارزه با انحرافات و بدعت‌هایی که یزید آن را شدت بخشیده بود، به

حرکت بنیادی عاشورا دست زد. در عصر حضرت سیدالشهدا علیه السلام فضای جامعه مسلمان آن قدر تاریک و مبهم گشته بود که کسانی که ادعای مسلمانی می‌کردند، برای تقرب به یزید و عیدالله بن زیاد، گوی سبقت را از هم می‌ربودند و سبب رسول خدا را در گودال غربت، تنها و بی‌یاور با تیغ کین سر بریدند و حتی پس از کشته شدن مظلوم کربلا به شکرانه این پیروزی، جشن گرفتند و به پایکوبی پرداختند. پس از حادثه دلخراش عاشورا و پس از انعکاس این خبر در سراسر کشور اسلامی رعب و وحشت شدیدی بر جامعه حکم فرما شد و برای مردم، مسلم گردید که یزید پس از کشتن امام حسین علیه السلام، از هیچ ظلم و جنایتی دریغ نخواهد کرد. در واپسین روز واقعه کربلا، شیعیان از لحاظ موقعیت سیاسی و اعتقادی در بدترین شرایط قرار گرفتند. کوفه که مرکز گرایش‌های شیعی بود، به مرکزی جهت سرکوبی شیعه تبدیل شد. شیعیانی که در کوفه بودند، با

سجاد علیه السلام در طول ۳۴ سال فعالیت پس از عاشورا، شیعه را از سخت‌ترین دوران‌های حیات خود عبور داد.

از مهم‌ترین حوادث تلخ این دوران، «واقعه حِزّه» (مربوط به قیام مردم مدینه) بر ضد حکومت یزید بود. در این حادثه، اهل مدینه به رهبری «عبدالله بن حنظله» حاکم مدینه را بر کنار و امویان را محاصره کردند و سپس با خفت و خواری در حالی که توسط بچه‌ها سنگسار می‌شدند، از شهر راندند^(۲). چون خبر قیام مردم مدینه و اخراج امویان به یزید رسید، وی «مسلم بن عقیبه» را - که مردی سال‌خورده و از سر سپردگان دربار بنی‌امیه بود - با یک

هزار نفر برای سرکوبی نهضت به مدینه فرستاد و به او گفت: به آنان سه روز مهلت بده؛ اگر تسلیم نشدند، با آنان جنگ کن و وقتی پیروز شدی تمام اموال و اثاثیه منزل، سلاح و طعام آنان را

توجه به شرایط سختی که ابن‌زیاد به وجود آورده بود، جرأت ابراز وجود نداشتند.

زندگی امام سجاد علیه السلام در مدینه و دور بودن آن حضرت از عراق، فرصت هدایت جریانات شیعی کوفه را از ایشان گرفته بود. با شهادت امام حسین علیه السلام چنان رعب و وحشت بر حجاز و عراق حاکم گشت که امام زین‌العابدین علیه السلام با اشاره به این وضع ناگوار فرمود:

«مَا بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا»^(۱).

«در تمام مکه و مدینه حتی بیست نفر هم ما را دوست ندارند».

عصر امام سجاد علیه السلام (۹۵-۶۱

ق) یکی از سخت‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام به شمار می‌آید که از آن، به دوره «سقوط فرهنگ اسلام» یاد می‌کنند. در چنین شرایطی که خطر نابودی اساس تشیع وجود داشت؛ علی بن الحسین علیه السلام می‌بایست کار را از صفر شروع کند و مردم را به سمت اهل بیت بکشانند. تاریخ، شهادت می‌دهد که امام

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۴ - بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۶، ص ۱۴۳.

۲. الامامة والسياسة، ابن قتیبة دینوری، ج ۱، ص

غارت کن و در اختیار سپاه بگذار^(۱).
سپاه شام به مدینه یورش برد و پس از وقوع جنگی خونین بین دو گروه و کشته شدن رهبران نهضت، قیام شکست خورد. مسلم بن عقبه به مدت سه روز دست سپاهیان خود را در کشتن مردم و غارت شهر باز گذاشت و شامیان جنایاتی را مرتکب شدند که قلم از بیان آن شرم دارد. پس از پایان قتل و غارت، مسلم از مردم مدینه به عنوان «پردگان یزید» بیعت گرفت^(۲). پس از این واقعه لشکریان یزید برای سرکوب کردن «عبدالله بن زبیر» که در برابر یزید به مخالفت برخاسته بود، حازم مکه شدند و پس از محاصره آن شهر، خانه خدا و حرم امن الهی را با منجنیق سنگ باران کردند و بر آن آتش گشودند^(۳).
در این ایام شیعیان در خفا و تقیه،

روزگار سختی را سپری می کردند و جرأت هیچ گونه اظهار محبت به اهل بیت را نداشتند و اگر چنین کاری را می کردند، مورد شکنجه و آزار قرار می گرفتند و یا حتی به قتل می رسیدند؛

چنان که «یحیی بن امّ طویل» - از یاران باوفای امام سجاد^{علیه السلام} - به جرم دوستی و پیروی از اهل بیت دستگیر شد و دست و پای او را بریدند و به شهادتش رساندند^(۴). همچنین در زمان حاکمیت

هنگام مرگ حجاج، در زندان مشهورش ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن زندانی بودند که ۱۶ هزار نفر آنان عریان و بی لباس بودند. وی زنان و مردان را در یک مکان زندانی می کرد و زندان های وی بدون سقف بود. از این روز زندانیان از گرمای تابستان و سرمای زمستان و باد و باران در امان نبودند. در چنین دورانی امام سجاد^{علیه السلام} به احیای سنت از دست رفته پیامبر^{صلی الله علیه و آله} پرداخت و با پشت پا زدن به همه رسوم بنی امیه که در همه جا به صورت سنت های پایدار درآمده بود، فرهنگ اسلام را در قالب دعا از ورطه نابودی نجات بخشید.

۱. تاریخ الأمم والملوک، محمد بن جریر طبری، ج ۴، ص ۳۷۲.
۲. مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ج ۳، ص ۷۰.
۳. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۶۰۲.
۴. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ص ۱۲۳.

باران در امان نبودند^(۳). در چنین دورانی امام سجاد^{علیه السلام} به احیای سنت از دست‌رفته پیامبر^{صلی الله علیه و آله} پرداخت و با پشت‌پا زدن به همه رسوم بنی‌امیه که در همه جا به صورت سنت‌های پایدار درآمد، فرهنگ اسلام را در قالب دعا از ورطه نابودی نجات بخشید.

دوران امامت امام محمد باقر^{علیه السلام}

(۱۱۴-۹۵ ق) مصادف بود با ادامه فشارهای خلفای بنی‌امیه و حکام آن‌ها بر شیعیان. عراق مرکز اصلی شیعه بود و شیعیان، همه‌ساله در موسم حج با آن حضرت تماس داشتند^(۴). فشارهای اعمال‌شده از سوی امویان روزگار بسیار سختی را برای شیعیان و آن امام بزرگوار^{علیه السلام} رقم زد. تمام حرکت‌هایی که ضد حکومت وقت بود به شدت سرکوب می‌شد و چون شیعه، جلودار

«عبدالملک بن مروان» حدود ۱۲۰ هزار نفر از مردم بی‌گناه که بسیاری از آنها شیعیان اهل بیت بودند، به دست حجاج بن یوسف که مردی سفاک و بی‌رحم بود، به قتل رسیدند. حجاج کسی بود که شنیدن لفظ «کافر» برای او بسیار آرام‌بخش‌تر از شنیدن لفظ «شیعه» بود^(۱).

امام باقر^{علیه السلام} در مورد رفتار حجاج بن یوسف فرمود:

«حجاج شیعیان را با بدترین وضع می‌کشت و با کم‌ترین سوءظن و تهمت آنان را دستگیر می‌کرد. حتی اگر به حجاج می‌گفتند فلانی زندیق یا کافر است، از نظر او بهتر بود تا این‌که بگویند شیعه علی^{علیه السلام} است»^(۲).

هنگام مرگ حجاج، در زندان مشهورش ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن زندانی بودند که ۱۶ هزار نفر آنان عربان و بی‌لباس بودند. وی زنان و مردان رادر یک مکان زندانی می‌کرد و زندان‌های وی بدون سقف بود. از این‌رو زندانیان از گرمای تابستان و سرمای زمستان و باد و

۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۲۶۵.
 ۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید معتزلی، ج ۳، ص ۱۵.
 ۳. مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۸۷.
 ۴. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۳۰۸.

نهضت‌های عدالت‌خواهانه بود، لبه تیز این سرکوب‌ها متوجه آن شد.

سیاست سرکوب امویان، شیعه را در مثلث تنگنای خفقان، جعل حدیث و اتهام‌های ناروا قرار داد و حیات فکری شیعه را با خطر جدی روبرو کرد. به طوری که از این رهگذر، بیشترین فشارها و اتهامات متوجه امام باقر علیه السلام بود. در این روزگار سخت، امام علیه السلام تنها پشتیبان وفادار شیعه بود که همواره مشکلات امت را به جان می‌خرد تا مبادا به مذهب شیعه و شیعیان آسیبی برسد؛ زیرا حاکمان خون‌خوار اموی کمر به نسل‌کشی شیعه بسته بودند و هر روز بر حجم فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود می‌افزودند. از آنجا که عصر امام باقر علیه السلام روزگار برخوردار اندیشه‌های اسلامی و غیراسلامی بود، مناظرات زیادی میان دانشمندان ادیان مختلف با امام علیه السلام از سوی دربار سازمان‌دهی می‌شد و آخرین حکمرانان اموی این سیاست کهنه و شکست‌خورده را بار دیگر از سر

گرفتند. آنان همواره در کمین فرصتی بودند تا بتوانند چهره آن حضرت را مخدوش سازند.

امام باقر علیه السلام به عنوان بزرگ پاسدار دین در مناظراتی با سران فرقه‌های مختلف همچون: مرجئه، جبریه، خوارج، غلات و... پوچی عقاید منحرف آنها را آشکار می‌کرد و با اتخاذ موضعی صریح و شفاف به رویارویی با اندیشه‌های منحرف آنان می‌پرداخت. از جمله گروه‌های خطرناکی که آن روزها در جامعه اسلامی رسوخ کرده، تأثیر عمیقی بر فرهنگ جامعه اسلامی گذاشت، یهودیان بودند. آنان احادیث جعلی زیادی را منتشر کردند که در منابع روایی ما به «اسرائیلیات» معروف است. این احادیث عمدتاً در رابطه با تفسیر قرآن و مراتب زندگی پیامبران سلف جعل شده بود. از این رو مبارزه با یهود و القانات سوء آنها در فرهنگ اسلامی، بخش مهمی از برنامه امامان معصوم علیهم السلام - به ویژه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام -

را به خود اختصاص داده بود^(۱).

دارد و هنگامی که حرب‌ها از آنان می‌پرسند به چه دلیل؟ جواب می‌دهند چون محمد ﷺ از ماست. ما که از خاندان او هستیم.

مسأله دیگری که در این دوران برای آن بزرگوار و شیعیان وی پیدا شده بود، مشکل «غلات» بود که شمار آنان در آن روزگار رو به فزونی گذاشته بود. آنان با سوءاستفاده از روایات امام ﷺ و نسبت دادن احادیث جعلی به آن حضرت می‌کوشیدند از جایگاه امام ﷺ و شیعیان حقیقی برخوردار شوند و با کشاندن شیعیان ساده‌دل به دنبال خود، به اهداف مورد نظر برسند^(۲).

مرد گفت: به خدا سوگند! که من شما اهل بیت را دوست دارم.
امام ﷺ فرمود:

«پس باید جامه‌ای از ناگواری‌ها بر تن کنی؛ زیرا به خدا سوگند! سختی‌ها و ناگواری‌ها شتابان‌تر از سیلاب به سوی ما و شیعیان ما در شتاب است. اما بدان که این سختی‌ها نخست به ما می‌رسد و سپس به شما^(۳)».

مردی نزد امام باقر ﷺ آمد و سلام کرد و پرسید: چگونه هستید؟ امام ﷺ درباره وضعیت خود و شیعیان چنین فرمودند:

بنابراین بیشترین تلاش آن امام همام ﷺ در دوران امامت خویش صرف تربیت افراد کارآمد و نیروهای متعهد و بیدار کردن مردم شد، زیرا معتقد بود که هرگونه پیروزی، در سایه تقویت بنیان‌های اعتقادی شیعیان امکان‌پذیر است. از این رو آن حضرت با تیزی و رعایت مصالح اسلام و مسلمانان وارد عمل می‌شد و بسا رهنمودهای

«این روزها مثل ما در میان مردم مانند قوم بنی اسرائیل است که فرعونیان پسران آنها را می‌کشتند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند و اکنون این‌ها فرزندان ما را می‌کشتند و زنانمان را زنده نگه می‌دارند. عرب می‌پندارد که بر عجم برتری دارد، وقتی عجم می‌پرسد چرا؟ عرب پاسخ می‌دهد چون محمد ﷺ از ماست. قریش نیز می‌پندارد که بر سایر عرب‌ها برتری

۱. همان، ص ۳۰۰. ۲. همان، ص ۳۰۸.

۳. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۰.

تقیه، خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی بود. خطر هجوم بر شیعه چنان بود که امام علیه السلام برای حفظ آنان، ترک تقیه را مساوی ترک نماز اعلام فرمود.

(وسائل الشیعه، حرّ عاملی، ج ۲، ص ۴۵۹).

در دوران حیات آن حضرت حوادث سیاسی مهمی رخ داد که از جمله آن‌ها جنبش علویان و جنبش عباسیان بود که به دنبال آن حکومت اموی سقوط کرد و عباسیان روی کار آمدند. این جنبش‌ها و قیام‌ها در توسعه مذهب تشیع اثری مثبت از خود بر جای گذاشت؛ زیرا مظلومیت‌خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله موجب تمایل دل‌های مردم به سوی آنان شد و همواره افراد جدیدی به صفوف شیعیان پیوستند. این امر در اوایل دولت عباسی کاملاً مشهود بود و کم‌کم در عصر عباسیان از توسعه روزافزونی برخوردار شد که ذکر علل و عوامل آن در این مقال نمی‌گنجد.

روشن‌گرانه خود، اصحاب را از تنسش‌زایی‌های بسی مورد و حساسیت‌انگیزی دستگاه و در برخی موارد از همکاری با حکام بازمی‌داشت و بیشتر به مبارزه منفی با ظلم و ستم تمایل نشان می‌داد.

در عصر امامت امام صادق علیه السلام تنها در در دهه سوم قرن دوم هجری، آزادی نسبی وجود داشت که حتی در همان دهه نیز فعالیت‌های آن حضرت و شیعیان تحت کنترل بود؛ اما پیش از آن در دوران امویان - که در سال ۱۳۲ هجری سقوط کردند - و پس از آن به وسیله منصور عباسی، شدیدترین فشارها بر شیعیان اعمال می‌شد. به طوری که جرأت هرگونه ابراز وجودی از آنها سلب شده بود. فشار سیاسی بر اهل بیت و شیعیان در دوران مزبور به اندازه‌ای اوج گرفته بود که مشایخ شیعه حتی مجال نقل احادیث ائمه را نداشتند. تأکید مکرر امام صادق علیه السلام بر